تحلیل رمان سووشون از منظر عناصر حماسی

ابراهیم رنجبر*

استادیار دانشگاه محقق اردبیلی

چکیده

در رمان سووشون موضوعات و جنبه‌های اجتماعی، تاریخی و حماسی با لحن شاعرانه، در بستر داستانی ساختگی، چنان درهم آمیخته‌اند که نمونهٔ مقبول هنر داستان‌نویسی به وجود آمده است. جنبهٔ حماسی این رمان چنان قوتی دارد که می‌توان آن را در ردیف آثار حماسی مصنوع قرار داد. تجلی روح ملی، وجود ارزش ذهنی، نمایندهٔ عقاید مردم بودن قهرمان، لزوم مهرورزی و کین‌توزی، وجود قدرت فردی شکست‌ناپذیر یا ابرمرد و هم‌مرزی با تاریخ از جملهٔ عناصر حماسه‌اند که در این رمان حضور دارند. قهرمان آن با خصالی از قبیل مهرورزی به مردم و کین‌توزی با بدخواهان مردم، جستن نفع عام، تعلق به نوع بشر، مقابله با ضد قهرمان و داشتن شرافت در شمار قهرمانان حماسه‌هاست. قصد دانشور ـ که آفرینش چنان قهرمانی برخاسته از جهان‌بینی اوست ـ به حقیقت شکست‌ناپذیر نشان‌دادن ایران است، در زمانی که تهاجم صنعتی و نظامی غرب، بی‌اثربودن مطبوعات، آشوب‌های داخلی، وابستگی ارکان حکومت، غفلت مردم و اولیای دین و فرصت‌طلبی احزاب زمینه‌های به خطر افتادن استقلال ایران را فراهم می‌کنند. قصد این نوشته ذکر مشابهت‌های این رمان با آثار حماسی، جستن نشانه‌های حماسه در آن و نهایتاً تبیین جنبهٔ حماسی آن است.

کلیدواژه‌ها: دانشور، سووشون، رمان، حماسه.

---

* ranjbar@uma.ac.ir

تاریخ دریافت: ۸۹/۹/۲۷ **تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۲۲**

فصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی، سال ۱۹، شمارهٔ ۷۰، بهار ۱۳۹۰

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

۱. مقدمه

یکی از آثار هنری ارزشمندی که با استقبال مردم جهان و خصوصاً ایرانیان مواجه شده است، رمان *سووشون* نوشتهٔ سیمین دانشور است. این نویسنده با انتشار این رمان در سال ۱۳٤۸ به شهرت رسید که «تا سال ۱۳٥٦ هفت نوبت تجدید چاپ گردید... یعنی طی هشت سال هشت بار چاپ شد... اگر شمارگان چاپ هشتم این رمان در سال ۱۳٥٦ را ملاک قرار دهیم (۲۲۰۰۰ نسخه)، آن‌گاه به ضرس قاطع می‌توان گفت که پس از *بوف کور*، *سووشون* پرفروش‌ترین رمان فارسی بوده است» (پاینده، ۱۳۸۱: ۷۳). به نظر خامه‌ای «کمبود نسبی درآمد... خوانندگان... موجب می‌شد که از هر نسخهٔ آن چندین نفر استفاده» کنند (خامه‌ای، ۱۳۸۳: ٦۷) وگرنه شاهد شمارگان زیادتر و نوبت‌های چاپ بیشتر می‌شدیم.[۱] *سووشون* با استقبال خوانندگان خارج از ایران نیز مواجه شده است. «تا به حال به شانزده زبان زندهٔ جهان ترجمه شده است... به‌تازگی در دانشگاه سوربن فرانسه به معرفی این کتاب پرداخته‌اند و برنامه‌ای برای آن برگزار کرده‌اند» (مندنی‌پور، ۱۳۸۳: ۱). بدیهی است که باید جاذبه‌ای خاص در این اثر باشد که این‌گونه آن را با استقبال اعتنابرانگیز مواجه کرده باشد. در این حال پاسخ دادن به این سؤال ضروری به نظر می‌رسد که چه عامل یا عواملی باعث جذابیت این اثر و موجب توجه عموم شده است.

در پاسخ پرسش مذکور از دیدگاهی می‌توانیم بگوییم که *سووشون* آمیزه‌ای است از مفاهیم ناهمگون تاریخ، منطق داستان‌نگاری، تمثیل، اسطوره، حماسه، پیش‌گویی، امیدآفرینی، جوهر شعر، عشق، جهان‌بینی و سیاست. نویسندهٔ توانای این رمان با رشتهٔ نامرئی سحرآمیز هنر این‌همه را چنان درهم بافته است که نتیجه جذاب و مقبول شده است.

جنبهٔ تاریخی آن به مَثَل به‌منزلهٔ بوم نقاشی است که دیگر عناصر بر آن نشسته و با آن عجین شده‌اند. نویسنده در دههٔ چهارمِ قرن چهارده شمسی ایستاده و به دو دههٔ قبل

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

نگریسته و برخی از حوادث تاریخی آن را از منظر هنر نگریسته و مخلد کرده و با توجه به آن داستانی مستقل آفریده است که در دو سطح جریان دارد: سطح تمثیلی آن مربوط به تاریخ و سطح روایی آن در قلمرو هنر و خود روایتی مستقل و کامل است مربوط به عالم گستردهٔ داستان‌سرایی. در این عالم حماسه و واقعیت را در هم سرشته است و با وجود شکست‌ها و جبرها و نامرادی‌ها در بستر تاریخ، پیش‌گویی کرده است که جهانی آباد و آزاد و عاری از زورگویی در انتظار جوامع بشری است؛ چون تودهٔ مردم به زودی بیدار می‌شوند و درخت استقلال را با خون خود می‌پرورند و سلطه و استعمار و درنده‌خویی را نابود می‌کنند. در عین حال از شور و شعر و عشق غافل نمی‌شوند. نمونهٔ یک عشق مطلوب را که در میان دو قهرمان این رمان، یوسف و زری، در متن زندگی زناشویی در جریان است، به نمایش گذاشته است. اما در این‌جا قصد نگارندهٔ این سطور از میان تمام این عناصر و مفاهیم، توجه به بُعد حماسی کتاب در چارچوب قهرمان‌پروری است. بنابراین ناگزیر مقوله‌های دیگر را کنار می‌گذارد.

در این‌جا غرض از قهرمان‌پروری نه آن است که در داستان‌ها و رمان‌ها معروف است و معمولاً مهم‌ترین شخصیت رمان را که بیش از تمام شخصیت‌ها با حوادث مواجه و بیش از همه متحول می‌شود و ایجاد تحول می‌کند قهرمان می‌گویند، بلکه غرض قهرمانی است که در سطح قهرمانان داستان‌های حماسی مطرح است و کارهایی فراتر از توان قهرمانان داستان‌ها و رمان‌ها انجام می‌دهد که مهم‌ترین آن‌ها جان و زندگی خود را برای حفظ مصالح و خصوصاً آزادی عمومی فداکردن است و یوسف‌خان در این رمان به آن درجهٔ عالی می‌رسد. این مقوله یکی از مقوله‌های برجستهٔ این رمان محسوب است.

اگرچه مقوله‌های چندگانه که ذکرآن‌ها گذشت در این رمان اهمیت زیادی دارند و هریک در جای خود سندی است از روزگاری، و نظریه‌ای مغتنم است از هنرمندی متفکر، دو مقولهٔ تاریخ و قهرمان‌پروری به این رمان جایگاه والا و جذابیت خاص

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

بخشیده‌اند. بخش تاریخی در سطح تمثیلی رمان جریان دارد و در واقع بریده‌های روزنامه‌های دهۀ دوم و سوم است. اما مقولۀ قهرمان‌پروری برخاسته از جهان‌بینی و هنر داستان‌نویسی دانشور است و هنر محض محسوب است و ارزش جواهر هنری را دارد. با وجود این، باید به این پرسش‌ها پاسخ داد که در عصر حاضر چرا قهرمان از نوع قهرمانان عوالم حماسی لازم است؟ این قهرمان از کجا و چگونه انتخاب می‌شود؟ چه وظایفی بر عهده دارد و چه کارهایی باید انجام دهد؟ اگر نویسنده نتواند در متن داستان به این سؤالات مقدر پاسخ دهد، در واقع کاری تکراری و چه بسا عبث انجام داده است، اما نویسندۀ رمان پاسخ‌های لازم را داده است. بررسی و تدوین منظم آن‌ها ضرورتی معنوی است و نگارندۀ این سطور قصد تدوین و تنظیم آن‌ها را دارد و ضرورت آن بدیهی و بی‌نیاز از توضیح است.

۱. ۱. پیشینۀ تحقیق

با اینکه *سووشون* یک اثر ادبی ارجمند و پرخواننده است، بسیاری از جنبه‌های آن ناکاویده مانده است. قبادی در مقاله‌ای از چند شخصیت آن رمزگشایی کرده (قبادی و نوری، ۱۳۸۶: ۶۳-۸۶) و در مقاله‌ای دیگر درون‌مایه‌های آن را تاحدودی بررسی کرده است (قبادی، ۱۳۸۳: ۴۱-۵۴). فنی‌ترین بحث را گلشیری مطرح کرده است (گلشیری، ۱۳۷۶: ۷۷-۱۵۱). میرعابدینی در حد نگاهی کلی به آن نگریسته است (میرعابدینی، ۱۳۸۳: ۷۷/۲-۸۲). قهرمانی بر برخی از جزئیات مربوط به هنر داستان‌نگاری آن انگشت نهاده است (قهرمانی، ۱۳۸۳: ۴۱۴-۴۲۳). علوی از دید یک حزبیِ مبارز به آن نگریسته و ایستادگی مردم ایران را که در آن نمود یافته ستوده است (علوی، ۱۳۸۳: ۳۱۷-۳۲۰). تسلیمی در بحثی مختصر به بُعد جهانی و فراتر از قالب‌های فکری و حزبی بودن آن تأکید کرده است (تسلیمی، ۱۳۸۸: ۱۴۵-۱۴۹). هیچ‌یک از این محققان ارجمند به بُعد حماسی موجود در این رمان اشاره نکرده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

۲. بحث و بررسی

پاسخ این سؤال را که: در عصر حاضر، با وجود سپری‌شدن ایام حماسه‌سرایی، چرا در یک رمان، پروردن قهرمانی از زمرهٔ قهرمانان عوالم حماسه لازم است، باید در متن رمان جست. رمز ضرورت چنین امری با وصف وضع موجود جامعه که در رمان انعکاس یافته است گشوده می‌شود. جامعهٔ مورد نظر این رمان، ایرانِ زمانِ کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و چند سال مقدم و منتج بر آن است. هیچ‌یک از حوادث تاریخ ایران به‌اندازهٔ این حادثه در ذهن و بیان دانشور و همسر او تأثیر نگذاشته است. این تأثیر تا جایی بود که آل‌احمد *سرگذشت کندوها* و دانشور این رمان را به ذکر این واقعه اختصاص دادند تا ضمن اینکه کارنامه‌ای سیاه برای دشمنان استقلال ملی رقم می‌زنند، با پروردن قهرمانی آرمانی که مردانه در برابر جبههٔ عظیم دشمنان می‌ایستد و پرچم استقلال ایران را از دست فرو نمی‌نهد، ایران را به حقیقت شکست‌ناپذیر نشان دهند.[۲] با وجود این زمینه‌های سقوط مصدق، ضامن استقلال ایران، را در جامعه در مقاطع و شرایط و اوضاع زیر به نمایش می‌گذارد.

۲. ۱. شرایط ایجاب‌کنندهٔ ظهور یک قهرمان

۲. ۱. ۱. آمدن صنعت غرب به ایران: در این رمان برخی از مظاهر صنعت غرب پیش‌قراول استعمار محسوب‌اند. نماد صنعت و نمایندهٔ آن در این رمان، چرخ خیاطی سینگر و سرجنت زینگر است. به دنبال صنعت اشغال نظامی روی می‌دهد. وقتی که کشوری از طرق مختلف، خصوصاً از راه‌های فرهنگ و نظامی‌گری مورد هجوم کشورهای بیگانه قرار گیرد، استقلال آن معروض خطر و نیازمند قهرمانانی است با خصال درخشانِ هوشیاری و فداکاری.

۲. ۱. ۲. تسلط نظامی: سلطهٔ نظامی بیگانه بر ایران سایه افکنده است. قشون‌های بیگانه ایران را به چند قسمت تحت تصرف خود تقسیم کرده‌اند (این موضوع را چنین تعبیر کرده است که روی نقشهٔ ایران «علامت‌های جورواجور رنگارنگ گذاشته‌اند و لت و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

پارش کرده‌اند» (دانشور، ۱۳۶۳: ۳۵، نیز ۲۴۰، خوابی که زری می‌بیند). در میان دول مهاجم، سلطهٔ انگلستان در تمام عرصه‌ها از همه چشم‌گیرتر است (افزونی سلطهٔ انگلستان را از حضور افسران ارتش انگلستان در جشن دختر حاکم و بلندتر بودن بیرق آن از بیرق‌های دول دیگر می‌فهمیم (همان: ۳۸). ایران گرچه در جنگ جهانی وارد نشده است، در حکم جبهه‌ای علیه هیتلر است و تمام امکانات ایران باید برای سقوط هیتلر به‌کار گرفته شوند. طبق قانون نانوشته‌ای باید مایحتاج عمومی به قشون اجنبی فروخته شود تا پس از رفع نیازهای قشون، به مستعمرات انگلستان فرستاده شود (همان: ۵۵). اگر کسی با این مخالفت کرد، با تطمیع و ارعاب و قتل مواجه می‌شود (همان: ۵۱ و ۱۵-۱۷). این وضع آسیب‌های فرهنگی هم در پی دارد.

از طرق عمدی و غیرعمدی ارزش‌ها و مظاهر فرهنگ قومی و ملی پایمال می‌شوند.[۳] ارتش انگلیس شهر را از نظر اخلاقی ناامن کرده است (همان: ۵۸ و ۳۹). علاوه بر این مردم از امکانات زندگی شهری محروم‌اند. بهترین مدارس و بیمارستان‌های شهر از آنِ انگلیسی‌ها است (همان: ۱۳۰). می‌خواهند نسل بعدی را مطابق منویات حکومت انگلستان تربیت کنند، کما اینکه خانم حکیم زیر پوشش امور بیمارستان کار مبلغان مسیحیت را انجام می‌دهد (همان: ۳۸-۳۹). به اقتضای نیتی که دارند سیاست و فرهنگ و قوای نظامی و امور بهداشتی در دست اجنبی است (همان: ۱۰). برای مهیاترکردن زمینه‌های اقامت خود در ایران، از طرفی اختلافات سیاسی و ملی و قومی ایجاد می‌کنند تا طرف‌های دعوا به وساطت بیگانگان و سلاح آنان محتاج و در نتیجه وسیله‌ای باشند برای برآوردن نیازها و برنامه‌های بیگانگان (همان: ۵۱)، از طرف دیگر هواداران حکومت شوروی علیه حکومت مرکزی حزب تشکیل می‌دهند و اجتماعات مخالف به راه می‌اندازند تا وضع موجود را به نفع بیگانه و به زیان حکومت برهم زنند (همان: ۱۹۴). با همهٔ این‌ها، با تحقیر ایرانیان، به ایشان فخر می‌فروشند که ما «تمدن را به شما پیشکش آوردیم» (همان: ۲۶۱).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

نویسنده هم برای تبیین وضع موجود، هم برای بیان ویرانی خارج از حد تصور ایران که فقط در افسانه‌ها و اساطیر قابل تصور است، هم برای یادآوری ایام تلخ اساطیری هجوم تورانیان به ایرانویچ و هم برای یادآوری فلسفهٔ تکرار تاریخ، از اساطیر و داستان‌های ملی و مذهبی کمک گرفته است تا بگوید چنان‌که در حملهٔ تورانیان رستم‌ها و سیاووش‌ها لازم بودند و نیز چنان‌که در ایام تاریک فریبکاری‌ها و ستمگری‌های امویان و یزیدیانْ حسین‌ها لازم بودند، در ایام حاضر قهرمانانی از این قماش لازم‌اند تا خون ایرانی را در رگ‌های خفته به جوش آورند و حیاتی نو به دل‌ها بدمند تا شاید بتوان از شر ایلغاریان بیگانه و فرصت‌طلبان و ترسوهای داخلی نجات یافت.[٤]

۲. ۱. ۳. سرسپردگی ارکان حکومت: در دنیای واقعی این رمان به جای عدل که مطلوب قهرمان آرمانی است، قدرت و پول و سیاست‌بازی نشسته است (همان: ۲۵۲)، در کل امور، حاکمیت رابطه به‌جای ضابطه بسیار درخشان است. رابط کسی است که مطیع اوامر نمایندگان روس و انگلیس باشد (همان: ۱۵۱). با وجود نمایندگان کشورهای مهاجم گویی حاکمی در ایران وجود ندارد. مردان حکومت و حواشی آن تلاش می‌کنند که به هر وسیله‌ای نمایندگان روس و انگلیس، هر دو، را راضی نگه دارند تا اگر شرایط به نفع یکی تغییر کرد، از پشتوانهٔ خارجی بی نصیب نمانند (همان:۱۱٦). در نتیجه هرکس که می‌خواهد به منصبی برسد لازم می‌بیند که رضایت نمایندگان کشورهای بیگانه را جلب کند. رفتارها و گفته‌های ابوالقاسم‌خان نمودی از خصال این‌گونه فرصت‌طلبان است (همان: ۵، ۱۷، ۲۳ و ۲٤). این شیفتگان قدرت که «ابرویشان آن قدر بلند شده که روی چشم‌هایشان را گرفته» (همان: ۲۵۹) نمی‌توانند واقعیت‌ها را ببینند. بدین جهت می‌خواهند به‌نحوی وضع موجود را تثبیت کنند. البته خود حاکم کژبین‌تر از مشاوران خویش است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

از آن‌جا که تمام امور کشور بر پاشنهٔ سرسپردگی می‌چرخد، ریا و خیانت و دلالی و جاسوسی برای بیگانه و قاچاق و دزدی بر افکار و اذهان جامعهٔ قدرت‌طلبان و حواشی حکومت مسلط است.[٥] این طبقهٔ فکری هرکسی را که در غم مردم باشد و ساز مخالفت حکومت زند، بی‌عقل محسوب می‌کند، چنان که عزت‌الدوله یوسف را دیوانه می‌خواند که در راه منافع ملی همگان را با خود دشمن کرده است (همان:۱۷٦). در این میان تودهٔ مردم قربانیان خوی سبعانهٔ بیگانگان و سودجویی‌های حقیرانهٔ حاکمان و جهل و نادانی خویش‌اند (همان:٤٨).

۲. ۱. ٤. غفلت اولیای دین: انگلیسی‌ها در تمام عرصه‌های حیات ایرانیان دخالت می‌کنند و قصد گسترش مسیحیت را دارند.[٦] در این حال که علمای دین باید بیدارکننده و مدافع دین و حیات مردم باشند، برخلاف رسالت خود، مردم را تحمیق می‌کنند و تنها رابطهٔ آنان با مردم این است که دستشان را برای بوسیدن در اختیار مردم بگذارند و جز این کاری با مردم ندارند (همان: ۲۲). بدیهی است که در چنین عرصه‌ای کسی لازم است که هم دردها و مسائل را ببیند و هم راه راست را نشان دهد و هم برخلاف جوّ عمومی موجود، به‌جای تحمیل بارهایی دیگر بر دوش مردم، بار از دوش آنان بردارد.

۲. ۱. ٥. فرصت‌طلبی احزاب: احزابی که ادعای رستگارکردن تودهٔ مردم بر زبان دارند، عملاً نمی‌توانند کاری انجام دهند تا وضع موجود را برهم زنند. منتظر فرصت مناسبی‌اند. این فرصت زمانی به دست می‌آید که طبقات مردم با هم متحد شده، تابع راهنمایی‌های آنان شوند. اما وضع مردم متناسب با این خواسته نیست. اکثر مردم گرفتار جنون و تنگناهای معیشت و غافل از وضع خودند. در نتیجه آن باغ سبز که موعود احزاب است بسیار دورتر از دسترس است. چنان‌که نمایندهٔ یکی از احزاب، فتوحی، نمی‌تواند باغ ۱۲٤ هزار متری مورد انتظار خواهر مجنونش را مهیا کند (همان: ۲۱٦-۲۱۸). در چنین شرایطی کسی لازم است که فارغ از هر قید و بند و ایسم و رسم و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

حزبی، جان و مال و قوای معنوی خود را در راه رهایی تودهٔ مردم فدا کند که همانا او قهرمان است.

۲. ۱. ٦. نسل جدید هدف تیر استعمار: این نسل گرفتار شبکهٔ پیچیدهٔ برنامه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی انگلستان است که می‌خواهد در زیر پوشش تأمین خدمات آموزشی و فرهنگی و بهداشتی به اهداف استعماری خود برسد.[۷]

۲. ۱. ۷. بی‌اثربودن مطبوعات: در حالی که «در کتابی ننوشته‌اند که آدمی چگونه باید حق خود را بگیرد» (همان: ۱۳۷) و مطبوعات تسلیم قدرت‌اند (ص۲۹۲)، قهرمانی لازم است تا یاد دهد که چگونه باید حق خود را گرفت آن هم در جوّی که همه‌چیز علیه قهرمان است. این نکته پیام اصلی این کتاب است.

۲. ۱. ۸. آشوب داخلی: سران قبایل دشمن حکومت محسوب می‌شوند. روس و انگلیس هم هر دو طرف را مسلح می‌کنند تا منافع خود را از جهات مختلف به دست آورند (همان: ٤٨ و ٦٤ و ٥٠ و ۱۸۲-۱۸۳). در این مرحله یوسف‌خان، قهرمان رمان، سران و خانان قبایل را متوجه خطایشان می‌کند تا دست از دشمنی با حکومت بردارند و به‌جای آن برای اخراج اجنبی از کشور بکوشند. بدین ترتیب وجود یک قهرمان بصیر ضرور می‌نماید.

۲. ۱. ۹. شیوع فتنه: قانون جنگل بر جامعه حاکم است (همان: ۱۷٤-۱۷٥). کسانی که دستشان به مالی یا جاهی می‌رسد، به قاچاق سلاح و قماش و تریاک و استعمال الکل و مواد مخدر مشغول‌اند (همان: ۱٦۸ و ۱۷۰). اعتیاد و فقر و بیماری تمام شهر را فرا گرفته است. تمام تیمارستان‌ها و بیمارستان‌ها و مطب‌های پزشکان انباشته از بیمار است و اکثر بیماران جایی برای مداوا پیدا نمی‌کنند (همان: ۱٥۲ و ۱۰۲-۱۰۳). مردم نان از دست هم می‌ربایند (همان: ۳۲-۳۳) حال آن‌که آذوقهٔ شهر را قشون اجنبی خریده و به کشورهای دیگر می‌فرستد (همان: ٦). با این اوضاع، حضور قشون اجنبی باعث شده است که زنان متعدد روسپی‌خانه کفایت مراجعه‌کنندگان را ندهند و حتی دختران «هفت هشت ساله»

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

را به کارهای منافی اخلاق می‌کشند (همان: ١٦٥). مَخلَص کلام این که «آدم‌ها را قصابی می‌کنند» (همان: ۲۵۵) و «فتنه می‌بارد از این طاق مقرنس» (همان: ۲۵۵) و وقوع جنگ اجتناب‌ناپذیر است (همان: ۱۸-۱۹ و ۲۵۵-۲٥٦). وضع ایران بدتر از تمام ادوار گذشته است. اگر نسل موجود کاری نکند، وضع بدتر از این هم خواهد بود (همان:۱۹۸). این وضع برای بیگانگان جشن و سرور محسوب می‌شود.[۸]

حضور یک قهرمان در وضع موجود، یعنی در خلأ شجاعت و شهامت، اجتناب‌ناپذیر است، اگرچه دورهٔ قهرمان فداکار نرسیده است و «موقع بخو بریده‌های نظیر» ابوالقاسم‌خان است (همان: ۷۸) و قشون اجنبی به هیچ قهرمانی رخصت ابراز وجود نمی‌دهد (همان: ۱۷)،[۹] دل ایرانیان وطن‌پرست و آگاه می‌خواهد که قهرمان ظهور کند و مردم را بیدار و دلیر سازد و به حرکت در آورد و دست اجنبی را در تمام زمینه‌ها از ایران کوتاه کند.

۲. ۱. ۱۰. غفلت تودهٔ مردم: فقر و فساد و تیره‌بختی شهر و روستا را فرا گرفته است. زندان‌ها و تیمارستان‌ها و بیمارستان‌ها آبادترین بخش‌های جامعه‌اند. ارزش‌ها پایمال می‌شوند. اکثر مردم با مفاهیمی مانند استقلال و وابستگی و آزادی و اسارت بیگانه‌اند و در عین حال در مقابل جباران کرنش می‌کنند[۱۰] (همان: ۵). آنان که غم آزادی و استقلال کشور را می‌خورند بسیار قلیل‌اند[۱۱] (همان: ۲۳۵-۲۳٦). در این اوضاع قهرمانی لازم است که الگوی عزت و آزادگی و مبارزه باشد. یوسف، قهرمان این رمان، اعلام می‌کند که «یک نفر باید کاری بکند» (همان: ۲۲٦) و غرض او از یک نفر خودش است نه دیگری. چون او زمان و مکان را بهتر از دیگران شناخته است و شجاعت لازم را دارد، یعنی دو مشخصهٔ اصلی قهرمان، «رای و شجاعت»، در او جمع‌اند.[۱۲]

یکی از شخصیت‌های این رمان، دکتر عبدالله‌خان که خود به «معرفت» رسیده است، یوسف را یک حکیم افلاطونی معرفی می‌کند.[۱۳] یعنی یوسف از عصر خود جلوتر است و هنوز دورهٔ امثال او نرسیده است. اما باید قهرمانْ رسیدنِ دورهٔ متناسب با خودش را

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

جلوتر بیندازد (همان: ٢٤٧). چون «همه‌چیز دست خود آدم است» (همان: ۲۸۷) و قهرمان باید به همه یاد بدهد که همه‌چیز را مطابق با حق تغییر دهند، پس برای اینکه ملتی سرنوشت خود را به دست بگیرد، قهرمانی لازم است تا درخت استقلال را که جز به خون رشد نمی‌کند، بکارد و با خون خود آن را سیراب کند تا دیگران در سایهٔ آن به عزت برسند[١٤] (همان: ٢٥٤). با توجه به اوصافی که گذشت و با استناد به دیگر اوصافی که در این رمان هست و ذیلاً به برخی اشاره می‌کنیم، یوسف یک قهرمان و *سووشون* متضمن تعدادی از شرایط آثار حماسی و «فکر اصلی آن ارائهٔ انسان مبارز است» (میرعابدینی، ۱۳۸۳: ۱۳۳/۱).

۲. ۲. اوصاف حماسی رمان

این رمان، به‌اقتضای منطق خاص خود، بدیهی است که نمی‌تواند تمام شرایط و اوصاف منظومه‌های حماسی را داشته باشد و در این مورد لزومی هم در میان نیست اما متضمن شرایط و اوصافی است که به کتاب رنگ و بوی حماسی می‌دهند. ذیلاً اهم اوصاف و خصال حماسه و منظومه‌های حماسی را ذکر می‌کنیم و این رمان را از بابت داشتن جنبه‌ها و خصال حماسی باآن‌ها تطبیق می‌دهیم.

۲. ۲. ۱. منظومه‌های حماسی دو دسته‌اند: مصنوع و طبیعی ـ ملی. در منظومه‌های مصنوع «سروکار شاعر با داستان‌های پهلوانی مدون و معینی نیست بلکه خود به ابداع و ابتکار می‌پردازد و داستانی را از پیش خود به وجود می‌آورد. در این گونه، شاعران مختارند با رعایت قواعد و قوانینی که برای شعر حماسی در میان است هرگونه بخواهند موضوع داستان خود را ابداع کنند و تخیل خود را در آن دخیل سازند» (صفا، ۱۳٦۹: ٥-٦).

این رمان اگرچه منظومه نیست، دارای اوصاف حماسه‌های مصنوع است که ذکر و وصف آن‌ها گذشت. یعنی نویسنده داستانی را می‌آفریند اما در آفرینش آن از تجارب

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

آثار حماسی ملی الگوبرداری می‌کند. بدین جهت اوصاف حماسه‌های ملی را ملاک سنجش قرار می‌دهیم.

۲. ۲. ۲. تجلی روح ملی: بن‌مایهٔ حماسه‌های طبیعی ـ ملی تجلی روح ملی است. «شکل و محتوای حماسه به معنای واقعی جهان‌بینی کامل و تجلی عینی روح ملی است. این روح ملی، در شکلی که به خود عینیت می‌بخشد همچون رویدادی عملی ارائه می‌شود» (مختاری، ۱۳۷۹: ۷۲).

این رمان در هر دو سطح تمثیلی و روایی تجلی روح ملی است؛ در سطح تمثیلی شکست نهضت ملی و سقوط مصدق و کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و روی کار آمدن زاهدی که دست نشاندهٔ کشورهای بیگانه بود، برای مردم ایران ناگوار بود و قیام‌های مردمی در حمایت از مصدق و کتاب‌ها و گزارش‌هایی که بعد از این واقعه منتشر شدند، از این نظریه حکایت می‌کنند. در سطح روایی نیز مردم از قهرمانی که به توطئهٔ اجنبی کشته شده است جانب‌داری و در تشییع جنازهٔ وی تظاهرات و ازخودگذشتگی می‌کنند. این همه از اشتمال این رمان به روح ملی حکایت می‌کنند. همین نکته را یکی از انگیزه‌ها و رموز اقبال عمومی به *سووشون* باید دانست.

۲. ۲. ۳. تکرار موضوع حماسه: موضوع حماسه مکرر است. یعنی «امر جلیل و مهمی است که سراسر افراد ملتی در اعصار مختلف در آن دخیل و ذی‌نفع‌اند، مانند مشکلات و حوایج مهم ملی از قبیل تشکیل ملیت و تحصیل استقلال...» (صفا، ۱۳۶۹:۳-٤). به عبارت دیگر، حماسه از موقعیت‌ها و حالت‌های مکرر در طول قرون اقوام متعددی که بارها آن‌ها را تجربه کرده‌اند سخن می‌گوید. بدین جهت یک کس می‌تواند جای چندین کس بنشیند (همان: ۷۱).

مسئلهٔ مهم در این رمان پایمال‌شدن ارزش‌های ملی و فروریختن ارکان استقلال، و «امر جلیل» کسب استقلال و رسیدن به عزت و آزادی جمعی است که به دست مخالفان استقلال کشور پایمال می‌شوند. مسئلهٔ حفظ استقلال فی‌نفسه در طول قرون

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

برای ایرانیان مهم و حماسه‌ساز بوده است. با وجود این، نویسندهٔ این رمان با تطبیق دادن شخصیت و خصال و موقعیت قهرمان رمانش با شخصیت‌های اساطیری و تاریخی و دینی مانند سیاووش و سهراب و یحیی پیامبر و امام سوم شیعیان (ع) قصد القا و تلقین مکرر بودن موضوع را دارد و به‌خوبی از عهدهٔ آن برمی‌آید. در ضمن عمقِ جنبهٔ ملی اثر خود را تا اعماق تاریخ و اسطوره می‌رساند.

۲. ۲. ٤. وجود یک ارزش ذهنی یا تاریخی: در هر حماسه‌ای گوهری بی‌نظیر از نوع ارزش‌های ذهنی اعم از آیینی، ماورایی، اخلاقی، سیاسی، ملی و حتی تاریخی وجود دارد که از هجوم و پلیدی دشمنان در معرض خطر قرار می‌گیرد و قیمتی بیش از جان شیفتگان آن دارد (همان: ۲۸).

این گوهر بی‌نظیر در این رمان عزت، آزادی، استقلال و ارزش‌های فرهنگی و اعتقادی مردم ایران است، علی‌الخصوص، و کثیری از مردم جهان است، علی‌العموم. چون سلطهٔ استعمار بر ده‌ها کشور دیگر هم سایه افکنده است.

۲. ۲. ۵. نمایندگی عقاید عام: «منظومهٔ حماسی کامل آن است که در عین توصیف پهلوانی‌های قوم نمایندهٔ عقاید و آرا و تمدن او نیز باشد» (همان: ۹).

هماهنگی مردم با آرا و عقاید یوسف که همانا حفظ آزادی و رفاه ایرانیان است ــ و البته این هماهنگی پس از مرگ او متجلی می‌شود ـ در حقیقت از این حکایت می‌کند که این رمان عقاید و آرای مردم را به نمایش گذاشته است. البته در سطح تمثیلی نیز علاقهٔ مردم به برنامه‌های سیاسی مصدق، از این امر حکایت می‌کند.

۲. ۲. ٦. وجوب مهر و کین: «در داستان‌های پهلوانی... مهر و کین حادثه‌ای اصلی و بنیادی است... موضوع آن‌ها کین‌خواهی، مهرورزی... و دفع شرّ دشمنان ملی است. ارتباط رویدادهایشان با رویدادهای تاریخی... ارتباطی زنده و تنگاتنگ است. از واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی مایه می‌گیرند» (سرامی، ۱۳۷۳: ۷٤).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

در این رمان تقابل مهر و کین مایهٔ اصلی منازعات و علت اصلی کشته‌شدن قهرمان است. وی مانند یوسف نبی (ع) غلهٔ خود را از سر مهر بین فقرا توزیع می‌کند و کین می‌توزد با کسانی که غلهٔ خود را به قشون اجنبی می‌فروشند و همچنین با بیگانگانی که مایحتاج مردم ایران را می‌خرند و به کشورهای دیگر می‌فرستند. کین‌توزی این قهرمان با بیگانگان و هواداران وطن‌فروشِ آنان موجب قتل او می‌شود.

۲. ۲. ۷. موضوعات کوچک در دل موضوعات بزرگ: «تکرار بخش‌های بسیار بلند روایت با گفت‌وگو...؛ دور رفتن از موضوع اصلی و طرح مسائل و موضوع‌های کوچک‌تر فرعی، در حقیقت بیان وقایع معترضه در روایت، از خصال حماسه است (مختاری، ۱۳۷۹: ۲۸-۲۹).

در این رمان در کنار حادثهٔ اصلی حوادث فرعی هم رخ می‌دهند، از جمله از دست رفتن گوشواره‌های زری و اسب پسرش خسرو، کشته‌شدن یک آهو بر اثر برخورد خودرو ابوالقاسم‌خان، رم کردن اسبی که دختر حاکم سوار آن است، مردن تعدادی از مردم بر اثر بیماری تیفوس، جنگ عشایر با نیروهای نظامی و کشته‌شدن ملک سهراب. علاوه بر این، قصه‌ای کوچک در درون این قصهٔ بزرگ نهفته است که همان قصهٔ مک‌ماهون و «پیام کتاب» (گلشیری، ۱۳۷٦: ۲۰۸) است.

۲. ۲. ۸. در هر حماسه‌ای یک قدرت فردی شکست‌ناپذیر و به تعبیر *شاهنامه* یک جهان‌پهلوان وجود دارد که تاحد یک ابرمرد ارتقا می‌یابد مانند رستم و آشیل... (مختاری، ۱۳۷۹: ۲۸).

در این رمان اگرچه قهرمان از نظر زور بازو و داشتن توانِ مخاطرات جسمانیِ فوق‌العاده مطرح نیست، متناسب با شرایط و اوصاف زمان و مکان، مسلط به قوای فوق‌العادهٔ معنوی است. از نظر تفکر، روشن‌بینی، آینده‌نگری، نگاه فلسفی، جهان‌بینی، شهامت باطنی، ارادهٔ نیرومند، شجاعت اخلاقی و صراحت بی‌نظیر انسانی عجیب،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

بی‌مانند و خارق‌العاده جلوه می‌کند و جاذبهٔ داستان تاحدود زیادی از این خصال او ناشی می‌شود.

۲. ۲. ۹. هم‌مرزی با تاریخ: حماسه جهانی است بین اسطوره و تاریخ. در این جهان کشمکش‌ها و گرایش‌های مربوط به روان و آرمان‌های انسان بهتر از دو جهان اساطیری و تاریخی نمایانده می‌شود. شاید بدین دلیل که آمیزه‌ای است از اسطوره و افسانه و فرهنگ عامه و تاریخ. سرگذشت فردی که عنصر اصلی تاریخ است با افسانه و فرهنگ عامه، که برخاسته از وجدان جمعی و نمایندهٔ تضادهای درونی و گرایش‌های آنان در اجتماع است، درهم می‌آمیزد و جهان آرمانی حماسی به وجود می‌آید. البته باید افزود که اسطوره پیشینهٔ ذهنی و تاریخ ریشهٔ واقعی حماسه محسوب می‌شود. حماسه در مرز انعطاف‌پذیری از گرایش‌های عقلی و عاطفی در شناخت جهان قرار دارد. اسطوره با عاطفه و وجدان جمعی سروکار می‌یابد و حماسه به عقل نزدیک‌تر می‌شود، اما نمی‌توان منطق تاریخ را از آن انتظار دشت. کاملاً مانند تاریخ نیست که به بسیاری از جنبه‌های زندگی بی‌اعتناست و به برخی با خردِ محض و خشکِ دور از عواطف می‌نگرد. به عبارت دیگر، نه مانند اساطیر ازلی است و نه مانند تاریخ محدود به زمانی معین (همان: ۱۹-۲۰).

این رمان بر زمینهٔ بخشی از تاریخ معاصر ایران، بخصوص کشمکش دول بیگانه با مصدق و مسئلهٔ استقلال ایران، نقش بسته است. بُعد تاریخی آن با جنبه‌های حماسی و فلسفی‌اش هم‌مرز است. حماسی از این بابت که قهرمان آن مانند قهرمانان حماسه‌ها تک‌سوار میدان شجاعت و شهامت اخلاقی و اجتماعی است و فلسفی از این بابت که نویسنده قصد دارد بگوید که: «زندگی تکرار می‌شود و تاریخ تکرار می‌شود... یحیای تعمیددهنده و امام‌حسین سرنوشت مشابه دارند و سیاووش و یوسف [= قهرمان این رمان] هم همین‌طور» (دانشور، نقل از گلشیری، ۱۳۷٦: ۱۷٤). توضیح اینکه دانشور با آوردن صحنه‌های عمدی در رمان شخصیت‌های جلال‌الدین منکبرنی، سیاووش،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

سهراب، رستم، اشکبوس، امام حسین، یوسف و ابراهیم و یحیای نبی و یوسف، قهرمان این رمان، را درهم آمیخته و مفاهیم و مقاصد فرهنگی رمان خود را تا اعماق آرمان‌های اساطیری کشانده و آن را میان اسطوره و فلسفه و تاریخ و حماسه در نوسان نگه داشته است[۱۵] (دانشور، ۱۳۶۳: ٤٥).

۲. ۳. خصال پهلوانان

در کنار این‌ها باید به گزیدهٔ خصال پهلوانان حماسه نیز توجه کرد.

۲. ۳. ۱. نفع عام در کار قهرمان: پهلوان برای منظوری به صحنه می‌آید و برای همین منظور... کاری و کوششی می‌کند. هیچ گره زندگی خصوصی او در حماسه گشوده نمی‌شود، مگر آنکه مسئلهٔ مهمی را در پی داشته باشد. زندگی خصوصی نیز تنها از بعد عمومی نگریسته می‌شود. این امر را از چند جنبه می‌توان باز شناخت: الف) در حماسه مسئلهٔ خانوادگی تابع است و نه یک موضوع و رویداد مستقل و اصلی؛ ب) دوستی و دشمنی پهلوان امری فردی نیست بلکه مسئله‌ای است که به امری عمومی وابسته است و در نهایت یا به ضرورت اجتماعی یا به اصل کلی نبرد نیکی و بدی تأویل می‌گردد (مختاری، ۱۳۷۹: ۱۳٦).

در این رمان یوسف برای احیا و حفظ آزادی و عزت و استقلال و ارزش‌های ملی ایرانیان به صحنه می‌آید و برای آن‌ها جان خود را فدا می‌کند و پس از مرگ او شجاعت و بیداری عمومی احیا می‌شود.

۲. ۳. ۲. تعلق به نوع بشر: قهرمان حماسی اساساً شخصیتی است که به نوع ملی بشر (اگر نگوییم نوع بشر)... متعلق است. اگرچه خاستگاه او جامعه‌ای معین با نظام و ساخت ذهنی مشخص است، ارزش‌ها و آرمان‌های کلی و ملی که به‌لحاظ اجتماعی از هم مجزا نشده‌اند بر او حاکم‌اند (همان: ۱۱۹–۱۲۰).

در این رمان یوسف به کل ایرانیان خصوصاً و ملل استعمارشده عموماً متعلق است چنان‌که خبرنگار ایرلندی به وجود او غبطه می‌خورد و از پرتو وجود او خیال آزادی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

ایرلند و ایران را در سر می‌پرورد و هر دو سرزمین را برادرخوانده می‌نامد. یوسف همان‌قدر که به استقلال و آزادی ایران می‌اندیشد و در این راه جان می‌فشاند، غم پایمال شدن ارزش‌های حیات بشر را می‌خورد و از طالبان زر و زور می‌خواهد که جوهر اصلی فرهنگ ایرانی و ارزش‌های اصیل حیات بشری را پایمال نکنند تا ملل دنیا هویت خود را نبازند.

۲. ۳. ۳. مقابله با ضدقهرمان: شمیسا در ضمن چند خصال که برای قهرمان برشمرده آورده است که: در هر بخشی از زندگی قهرمان یک ضدقهرمان قد برافراشته است؛ اعمال بزرگی انجام می‌دهد که اهمیت ملی دارد؛ پیش‌گویی می‌کند (شمیسا، ۱۳۷۳: ۵۹-۷۱).

این سه خصلت در قهرمان این رمان موجودند. ضدقهرمانی که دربرابر او قد برافراشته، ابوالقاسم‌خان، برادر او، است. او کاملاً برخلاف برادرش حافظ منافع قشون اجنبی و هوادار دول مهاجم است. عزت‌الدوله که خود تمثیلی از زاهدی است، ضدقهرمان دیگری است که برای نابودی قهرمان لحظه‌شماری می‌کند؛ از اعمال بزرگ او می‌توان مخالفت با اجنبی و اجنبی‌پرستان و توزیع غله به درماندگان را ذکر کرد که این دو، علل قتل او می‌شوند؛ او در یک پیش‌گویی، اقدامات خانان را شوم می‌شمارد و حوادث مطابق پیش‌گویی او اتفاق می‌افتند.

۲. ۳. ٤. شرافت: به نظر ارسطو قهرمان تراژدی باید نجیب و شریف باشد. این واژه البته در بوطیقا به دو مفهوم به‌کار رفته است: یکی طبقهٔ اجتماعی قهرمان است که معمولاً در تراژدی‌های یونان باستان از طبقهٔ حاکم جامعه انتخاب می‌شود؛ در مفهوم دومِ واژه، قهرمان باید شرافت خود را ثابت کند. به عبارت دیگر، او انسانی است برتر از تماشاگر (احمدزاده، ۱۳۸٦: ۳۱).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

در این رمان یوسف، قهرمان اصلی داستان، به هر دو مفهوم شریف و نجیب است. از خانان بزرگ و مشهور شیراز و صاحب نفسی پاک و بزرگ و نیتی کریم و همتی عالی و شجاعت اخلاقی بی‌مانندی است.

۲. ۳. ۵. مصلحت‌های جامعه معیار تشخیص دوست از دشمن: یکی از نمودهای عمومی بودن کارکرد پهلوان «این است که دوستی و دشمنی پهلوانان تابع روابط فردی با یکدیگر نیست بلکه تابع آن نظم ذهنی پذیرفته شده است که با نبرد میان نیک و بد همه‌چیز را در دو قطب دوست و دشمن متمرکز کرده است. هرکس به‌اندازهٔ پیوند با یکی از این دو قطب، دوست یا دشمن است» (مختاری، ۱۳۷۹: ۱۳۸).

یوسف مردم و منافع و مصالح و رفاه آنان را در یک قطب و دشمنان آن‌ها را در قطب دیگری نهاده است. با برادرش ابوالقاسم‌خان دشمن است چون او را دشمن مصالح مردم می‌بیند و با مک‌ماهون ایرلندی اگرچه در جمع بیگانگان است دوست است چون او را موافق با مصالح عموم مردم استعمارزده می‌بیند. بدین لحاظ یوسف قهرمان ملی محسوب می‌شود از نوع آنکه در حماسه و تراژدی مطرح است.

۲. ٤. اوصاف دیگرِ قهرمان این رمان

علاوه بر آن‌چه گذشت، یوسف به‌عنوان قهرمان ملی خصال و اوصافی دارد که می‌تواند تجربه‌ای جدید برای قهرمانان ملی و حماسی محسوب شود:

۱) دمی از غم زندگی مردم فارغ نیست (دانشور، ۱۳٦۳: ۲۳ و ۲٤)؛ ۲) غم ساختن آینده دارد و آینده‌ای روشن نوید می‌دهد (همان: ۱۸ و ٤۹)؛ ۳) می‌خواهد نسل بعدی شجاع و مدافع حق تربیت شود (همان: ۱۳۰-۱۳۱)؛ ٤) در هر حالتی و با هر کسی مثل یک شمشیر عریان صریح و صادق است. بنابراین شجاعت اخلاقی بی‌نظیری دارد تا جایی که دوست و دشمن تحمل صراحت و صداقت او را ندارند. پیش از این‌که به نتیجهٔ کنش خود بیندیشد، به حقانیت و نفس کار می‌اندیشد. بدین جهت تنها و بی‌یاور است اما از تنهایی پروا ندارد (همان: ۱۱،۵، ۵۱، ٤۹، ٤۷، ۵۲، ۲۵ و ۱٤)؛ ۵) مدافع

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

ارزش‌های ملی و اصالت ایرانی است[۱۶] و می‌خواهد به هر قیمتی ایران را آزاد و آباد ببیند (همان: ۱۲، ۲۴-۲۵، ۲۷ و ۱۴۵)؛ ٦) چشم و گوشش باز است حال آن‌که این خلاف میل دشمنان است (همان: ۱٤)؛ ۷) در افق بین رؤیا و واقعیت برای زری که نماد ایران و ایرانیان است، ظاهر می‌شود. زری او را به شاه پریان تشبیه می‌کند که در قالب تک‌سواری پیدا می‌شود و در برهه‌های حساس و خطرناک زری (= ایران) را نجات می‌دهد و در عمق هر دو چشمش دو ستاره می‌درخشند و به او قوه‌ای مرموز و آسمانی می‌بخشند (همان: ۲٦۲-۲٦۵ و ۲٦٦-۲٦۹)؛ ۸) با مرگ او که نگهبان درخت استقلال است، این درخت بارورتر می‌شود، ترس زری فرو می‌ریزد و شجاعت ناشناخته‌ای جای آن می‌نشیند. نسل جوان احساس مردانگی می‌کند و تودهٔ مردمِ خفته بیدار می‌شوند و خود را با او قوم و خویش می‌یابند و بیداری عمومی حاصل می‌شود (همان: ٤۰، ۱۷٤-۱۷۵، ۲۸۷-۲۸۸، ۲۹۳، ۲۹۹-۳۰۰، ٥٤، ۱۵، ۳۰٦ و ۳۰۵). با این اوصاف یوسف از سطح قهرمان یک داستان عادی به سطح قهرمان یک اثر حماسی صعود می‌کند و می‌تواند الگویی برای طالبان آزادی و استقلال و شرف و عزت و ارزش‌های والای بشری باشد.

نتیجه‌گیری

رمان *سووشون* در دو سطح روایی و تمثیلی جریان دارد. در سطح روایی داستانی کامل، جذاب و دارای اوج و فرود است. در سطح تمثیلی برهه‌ای از تاریخ معاصر ایران، شکست نهضت ملی و کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و حوادثی از ایام ماقبلِ منتج به آن را به نمایش گذاشته است.

تطابق و درهم‌سرشتگی بسیار هنرمندانهٔ این رمان باعث جذابیت آن و اقبال عمومی شده است. علاوه بر این، بهره‌ای از جذابیت این رمان مرهون وجود بُعد حماسی آن است. این رمان بخش اعظم خصال حماسه و قهرمان آن بهره‌هایی از خصال قهرمانان منظومه‌های حماسی را دارد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

چنین اثری حاصل این عقیدهٔ نویسنده است که در جایی ابراز کرده است: «در قرن بیستم قهرمان آثار ادبی دیگر نه مجنون است و نه رستم یا اسکندر... اینک قهرمان‌های آثار ادبی همهٔ گروه مردم و مخصوصاً خود نویسنده است» (دانشور، ١٣٦٤: ٨٠). او قهرمان را از محیط خود انتخاب کرده و از تلفیق شخصیت اجتماعی و اخلاقی دو تن، مصدق و آل‌احمد، و با الهام از سرنوشت شخصیت‌های مهم تاریخی و اساطیری مانند سیاووش و برخی از ائمه و انبیا، و با سرشتن کیمیای آرمان‌هایی از وجدان جمعی شخصیتی حماسی ساخته است.

پی‌نوشت

۱. این رمان تا سال ۱۳۸۰ پانزده‌بار تجدید چاپ شد و تنها چاپ پانزدهم آن در ۳۳۰۰۰ نسخه منتشر شد و این تعداد در قیاس با شمارگان آثار نویسندگان دیگر گویای اقبال روزافزون به این رمان است (قبادی و نوری، ١٣٨٦: ٦٦).

۲. دانشور گفته است: «روز سقوط مصدق گریستیم» (همایونی، ۱۳۸۳: ١٢٤). او از طریق پدرش سابقهٔ ذهنی شیرینی از مصدق داشته است. وقتی که مصدق والی فارس بود به پدر دانشور لقب احیاءالسلطنه اعطا کرد (عزیزی، ۱۳۸۳: ٤٢)، اما دانشور در این رمان بیش از مصدق به استقلال ایران می‌اندیشد و مصدق را ضامن آن قلمداد می‌کند و تکریم او از این بابت است.

۳. این مسئله را چنین تعبیر کرده است که در جشن عقدکنان دختر حاکم «اول عروس و داماد با هم رقصیدند... یک بار کلنل انگلیسی با عروس رقصید و یک بار هم سرجنت زینگر... بعد افسرهای خارجی رفتند سراغ خانم‌های دیگر. زن‌های شهر با لباس‌های رنگارنگشان در بغل افسرهای غریبه می‌رقصیدند و مردهایشان... گفتی بر سر آتش نشسته‌اند» (دانشور، ١٣٦٣: ١١-١٢). این‌ها فرعِ این امر ننگین‌اند که مراسم ملی ایرانیان، یعنی جشن عروسی، زیر پرچم انگلیس برگزار می‌شود (همان: ١١). در این مراسم تعداد افسران بیگانه از تعداد ایرانیان بیشتر است (همان: ٣٦-٣٧).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

٤. این نکات را با این تعابیر به یاد می‌آورد که در جشن عقدکنان دختر حاکم «همه جمع‌اند. مرهب و شمر و یزید و فرنگی و زینب زیادی و هند جگرخوار...» (همان: ۹). «مردم به شتاب به پشت بام‌ها می‌روند و یکی یک بیرق انگلیس بالای سر در خانه‌هایشان می‌زنند که بگویند ما در پناه دولت فخیمهٔ انگلیس هستیم... یکی یک طشت روی سرشان است. طشت‌ها را روی زمین می‌گذارند. در هر طشتی یک سر بریده است که از آن خون می‌چکد» (همان: ۲۵۹).

۵. مثلاً ابوالقاسم‌خان با کرنش به افسران بیگانه و با فروش آذوقهٔ رعیت به بیگانگان و با مخالفت با برادر آزادهٔ خود به وکالت منصوب می‌شود. او از کالاهای ایرانی بیزار و شیفتهٔ کالاهای بیگانه است. این موضوع را چنین تعبیر کرده است که ابوالقاسم خان از هیچ چیز در خانهٔ زری (که تمثیلی از ایران است) خوشش نمی‌آید، (همان: ٢٤ و ١٦ و ۲۲ و ۱۲۵). عزت‌الدوله نیز (که صورت تمثیلی زاهدی، نخست‌وزیر دورهٔ کودتا است) در عین حال که به انواع فساد فکری و اخلاقی و مفسده‌انگیزی منسوب است، در طلب قدرت هم جاسوس و دلال حاکم و قوای بیگانه است و هم چشم و چراغ آنان (همان: ۹ و ٢٨٤- ۲۸۵ و ٢٤٢).

٦. این موضوع را چنین تعبیر کرده است که مدیر مدرسهٔ انگلیسی‌ها یکی از شاگردان را وامی‌دارد که روزه‌اش را بخورد (همان: ١٣٤) و پسری یتیم به نام کلو را که یوسف‌خان از روستا آورده است تا در خانهٔ خود تربیتش کند، وقتی کارش به بیمارستان انگلیسی‌ها می‌کشد، مسیحی می‌کنند. او نیز با تیر و کمانش شیشهٔ خانهٔ ارباب خودش را می‌شکند (همان: ۲۳۸-۲۳۹).

۷. این موضوع را چنین تعبیر کرده است که همهٔ بچه‌های زری با طبابت خانم حکیم که یک پزشک اجنبی است، به دنیا آمده‌اند (همان: ٢٤٩).

۸. این موضوع را چنین تعبیر کرده است که «همهٔ تشریفات [جشن عقدکنان دختر حاکم] برای [افسران خارجی] جشن بود اما برای زری [که نماد ایران است] مثل تعزیه» (همان: ۹).

۹. این نکته را چنین تعبیر کرده است: «یک شب زری خواب دید که یک اژدهای دو سر، شوهرش را [قهرمان داستان را]... درسته با اسب بلعیده و خوب که نگاه کرده دیده اژدهای دو سر شبیه سرجنت زینگر بوده...» (همان: ٢٤٠-٢٤١).

۱۰. این موضوع را چنین تعبیر کرده است که در روز عقدکنان دختر حاکم، یعنی روزگاری که قحطی مردم را دسته دسته به کام مرگ می‌سپارد، نانواها «نان سنگکی پخته بودند که

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

نظیرش را تا آن وقت هیچ کس ندیده بود» و با خشخاش روی آن نوشته بودند «تقدیمی صنف نانوا به حکمران عدالت‌گستر» (همان: ۵). اگر دختر حاکم را تمثیلی از اموال ملی ایرانیان بدانیم، تودهٔ مردم در روز واگذاری اموال ملی به بیگانگان در گروه خادمان جشن و سرور شرکت می‌کنند و دلال مظلمه محسوب می‌شوند بی‌آنکه وقوفی بر نقش مکروه خود داشته باشند. حتی وقتی هم که از جانب «حاکم عدالت‌گستر» خطری احساس می‌کنند به زیر بیرق انگلیس پناه می‌برند (همان: ۲۵۹).

۱۱. این موضوع را چنین تعبیر کرده است که وقتی ارباب به گردونه‌دار آسمان دستور می‌دهد که... ستارهٔ هرکس را به خودش بسپارد تا از آن مراقبت کند و زمام سرنوشت خود را به دست بگیرد، گردونه‌دار... از مأموران توزیع ستارگان می‌پرسد که اهل زمین با ستارهٔ خود چه کردند؟ آنان جواب می‌دهند: «وقتی ما به راه افتادیم، هنوز بازی می‌کردند. پیرها گفتند حال دیگر خیلی دیر است... جوان‌ها و میانه‌سال‌ها... هرچه توضیح بهشان داده شده مقصود ارباب آسمانی را نفهمیده‌اند. بعضی‌هایشان ستاره‌هایشان را خیلی زود گم کرده‌اند...» (همان: ۲۳۵-۲۳۶).

۱۲. خرد و شجاعت از اوصاف مسلم قهرمان‌اند. متنبی شاعر عرب در وصف برخی از شروط دلاوری و پهلوانی گفته است: الرأیُ قبلَ شَجاعة الشُجعان/ هو اولٌ و هی المحلُ الثانی؛ فاذا هما اجتعما لنفس مرَّة / بَلَغَت من العَلیاء کُلَّ مکانٍ (متنبی، ۱۳۴۸: ۴۲۵/۲).

۱۳. دکتر عبدالله‌خان گفت: «نمی‌دانم کجا خوانده‌ام که دنیا مثل اتاق تاریکی است که ما را با چشم‌های بسته وارد آن کرده‌اند. یک نفر از ما ممکن است چشمش باز باشد. [یوسف] از آن اشخاص نادری بود که از اول یادشان رفته بود چشم‌هایش را ببندند. چشم‌ها و گوش‌هایش باز باز بود. حیف که فرصتش کم بود» (همان: ۲۸۶). اتاق تاریک یادآور مُثُلِ افلاطون است.

۱۴. درخت استقلال «درخت عجیبی است که قوت خود را از خاک و خون می‌گیرد. این درخت باغبانی دارد که قیافه‌اش به پیامبران می‌ماند. باغبان از میان همهٔ درخت‌ها عاشق همین یک درخت است. هنگام آبیاری وقتی صلا در می‌دهد که خون! همهٔ مردم دور درخت فراهم می‌آیند و رگ‌های دستشان را باز می‌کنند. این درخت سایهٔ خنک و گسترده‌ای دارد. همهٔ مردم زیرش می‌نشینند و غصه از دلشان می‌رود... همه‌شان آدم‌هایی می‌شوند با تمام صفات مردی و مردانگی» (همان: ۴۰).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

۱۵. زری خواب می‌بیند که یوسف را در آتش افکنده‌اند و کسی آن را چنین تعبیر می‌کند که مانند ابراهیم و سیاووش از آتش می‌گذرد (همان: ۲٤۱)؛ زری روز تشییع جنازهٔ یوسف را به سوگ سیاووشان تشبیه می‌کند (همان: ۲۷۳-۲۷۷ و ۳۰۰)؛ زری در یک شمایل سر بریدهٔ سیاووش را با سر بریدهٔ امام حسین (ع) و یحیی (ع) اشتباه می‌گیرد (همان:٤۰)؛ نویسنده موقعیت و قتل یوسف را نمونه‌ای دیگر از موقعیت و شهادت امام حسین (ع) می‌داند و روز تشییع جنازهٔ او را تودهٔ مردم یادآور روز عاشورا می‌خوانند و خواهر یوسف ایران را به کربلا تشبیه می‌کند (همان: ۲۵۱ و ۲۹٤ و ۳۰۰)؛ معلم تاریخ او را با جلال‌الدین منکبرنی مقایسه کرده، به او لقب «مرد» می‌دهد (همان: ۳٦)؛ وقتی که آذوقهٔ مردم به مصرف قشون بیگانه می‌رسد و قحطی و بیماری همه جا را فرا می‌گیرد، او مانند یوسفِ نبی درِ انبارها را می‌گشاید و به مردم درمانده آذوقه توزیع می‌کند (همان: ۲۵۱). این‌ها همه از تکرار تاریخ و یکسان بودن حوادثِ زندگی قهرمانان بزرگ بشر حکایت می‌کنند و بر بُعدِ اساطیری و حماسی رمان می‌افزایند.

۱٦. دانشور این موضوع را چنین تعبیر کرده است که او اسبان نیک دارد. «اسب برای خاندان‌های پهلوانی و جنگاوران هند و اروپایی از ارزش توتمی دیرپایی برخوردار بوده، به همین دلیل در *شاهنامه*... پرتکرارترین نمادینه... را به وجود آورده است... وجود [واژهٔ] اسب در نام‌های شاهان و پهلوانان ایرانی مانند گرشاسب...» (قائمی و یاحقی، ۱۳۸۸: ۹ و ۱۸) دلیل کارکرد مهم آن در اصالت‌های ملی ایرانیان است. از اصالت‌های دیگر ایرانی، شعر فردوسی و حافظ و نیما را می‌خواند و به شراب‌های ایرانی دل می‌دهد حال آنکه برادر او شراب خارجی را می‌پسندد.

منابع

احمدزاده، شیده (۱۳۸٦) «بررسی تطبیقی قهرمانان تعزیه و تراژدی». *پژوهشنامهٔ علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی*. شمارهٔ ٥٤: ۱۹-۳٦.

پاینده، حسین (۱۳۸۱) «سیمین دانشور شهرزادی پسامدرن». *کتاب ماه، ادبیات و فلسفه*. سال ششم. شمارهٔ ٦۳: ۷۲-۸۱.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

تسلیمی، علی (۱۳۸۸) *گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران*. داستان. چاپ دوم. تهران: کتاب آمه.

خامه‌ای، انور (۱۳۸۳) «نگاهی کوتاه به زندگی و آثار سیمین دانشور». *بر ساحل جزیرهٔ سرگردانی*. علی دهباشی. تهران: سخن: ٦٧-٧١.

دانشور، سیمین (۱۳٦۳) *سووشون*. چاپ یازدهم. تهران: خوارزمی.

دانشور، سیمین (۱۳٦٤) «شوهر من جلال». *یادنامهٔ جلال آل‌احمد*. علی دهباشی. تهران: پاسارگاد: ۷۹-۹۰.

سرامی، قدمعلی (۱۳۷۳) از *رنگ گل تا رنج خار*. چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.

شمیسا، سیروس (۱۳۷۳) *انواع ادبی*. چاپ دوم. تهران: فردوس.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳٦۹) *حماسه‌سرایی در ایران*. چاپ پنجم. تهران: امیرکبیر.

عزیزی، محمدحسین (۱۳۸۳) «پدر سیمین». *بر ساحل جزیرهٔ سرگردانی*. علی دهباشی. تهران: سخن: ۳۹-٤۲.

علوی، بزرگ (۱۳۸۳) «حماسهٔ ایستادگی». *بر ساحل جزیره سرگردانی*: ۳۱۷-۳۲۰.

قائمی، فرزاد و محمدجعفر یاحقی (۱۳۸۸) «اسب؛ پرتکرارترین نمادینهٔ جانوری در شاهنامه و نقش آن در تکامل کهن الگوی قهرمان». *فصلنامه زبان و ادب پارسی*. سال ۱۳. شماره ٤۲: ۹-۲٦.

قبادی، حسینعلی (۱۳۸۳) «تحلیل درون‌مایه‌های سووشون از نظر مکتب‌های ادبی و گفتمان‌های اجتماعی». *پژوهش*. دوره جدید. شماره ۳: ٤۱-٥٤.

قبادی، حسینعلی و علی نوری خاتونبانی (۱۳۸٦) «نمادپردازی در رمان‌های سیمین دانشور». *گوهر گویا*. سال اول. شماره ۳: ٦۳-۸٦.

قهرمانی، سعید (۱۳۸۳) «نقدی بر سووشون». *بر ساحل جزیرهٔ سرگردانی*: ٤۱٤-٤۲۳.

گلشیری، هوشنگ (۱۳۷٦) *جدال نقش با نقاش در آثار سیمین دانشور*. تهران: نیلوفر.

متنبی، احمد (۱۳٤۸ق) *دیوان المتنبی*. عبدالرحمن برقوقی. دو جلد. چاپ دوم. مصر: مطبعه الرحمانیه.

مختاری، محمد (۱۳۷۹) *حماسه در رمز و راز ملی*. چاپ دوم. تهران: توس.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]

مندنی‌پور، شهریار (۱۳۸۳) «هرجا زخم بخوریم به دانشور پناه می‌بریم». *روزنامه آفتاب یزد*. ۸۳/۲/۲۹

میرعابدینی، حسن (۱۳۸۳) «تاریخ نویس دل آدمی». *بر ساحل جزیره سرگردانی*: ۱۳۰-۱۵۲.

همایونی، صادق (۱۳۸۳) «برقی از آتش لیلی». *بر ساحل جزیره سرگردانی*: ۱۱۵-۱۲۷.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1390.19.70.2.7]